

سیری اجمالی بر مبانی نظری «انسان دوستی» از منظر آیات و روایات و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن

محمد حسین حیدری: عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

ستاره موسوی: دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی دانشگاه اصفهان

چکیده

از آنجا که در حوزه‌های مختلف علمی، فلسفی و دینی، تعبیر و تفاسیر متفاوتی در مورد تعریف، ماهیت و ابعاد انسان دوستی ارائه شده است، لازم است تا در راستای بازشناسی و تدوین مبانی نظری حس انسان دوستی از منظر دین اسلام، اقدامات بیشتر و عمیق‌تری صورت گیرد. به منظور گام نهادن در این راه، در مقاله حاضر تلاش شده است که به طور اجمالی و در حد توان و با بهره‌گیری از روش تحلیلی، دیدگاه اسلام پیرامون موضوعاتی چون خاستگاه محبت در انسان، حدود و ثغور انسان دوستی در اسلام و انگیزه‌های حقیقی و غیر حقیقی انسان دوستی از منظر اسلام، با استناد به برخی آیات قرآن و روایات شیعی، روشن گردد تا بر اساس آن بتوان الگوی انسان دوستی اسلامی را تا حدی مشخص نمود.

واژه‌های کلیدی: محبت، انسان دوستی، اسلام

مقدمه

انسان به سبب برخورداری از مکانیسم پیچیده روحی و جسمی، دارای مجموعه ای از ویژگی‌ها و خصایص است که بررسی هر یک از آنها می‌تواند منشاء شکل‌گیری حوزه ای برای مطالعه علمی باشد؛ مثلاً یکی از ویژگی‌های روحی-روانی بشر در عرصه ارتباط با دیگران این است که می‌خواهد همواره «او را دوست بدانند و او نیز دیگران را دوست بدارد». برخی از روان‌شناسان، این ویژگی را در قالب «نیازهای اساسی» انسان بررسی کرده‌اند؛ مثلاً مازلو در طبقه‌بندی نیازهای انسان، دو طبقه نیازهای کمبود یا اساسی^۱ و نیازهای رشد یا فرایندها^۲ را مشخص کرده و مواردی هم چون نیازهای جسمانی، امنیت، عشق و تعلق و عزت نفس را در طبقه اول قرار می‌دهد و معتقد است تا این نیازها برآورده نشود، انسان نمی‌تواند روند طبیعی شخصیت خود را دنبال کرده و در صدد تأمین نیازهای رشد یا فرایندهای خود برآید (انصاری، ۱۳۸۹). لذا به نظر می‌رسد، تلاش انسان در برآورده کردن توأمان دو نیاز «عشق و تعلق» است که مقوله ای به نام «محبت» را به وجود می‌آورد: بشر در هر دوره از زندگی می‌خواهد یقین کند که مطلوب دیگران است. در این راستا، باید خود را به جماعتی نسبت دهد و بر دوستی افراد آن اعتماد کند. در چنین وضعیتی است که تمایل طبیعی انسان یعنی «میل به ایجاد رابطه دوجانبه عاطفی» محقق می‌گردد. از سوی دیگر، عدم تأمین این نیاز، سبب پیدایش نوعی اضطراب^۳ در افراد شده و در شرایط حادثه، حتی ممکن است برخی بیماری‌های روحی از جمله «افسردگی» را نیز به دنبال داشته باشد.

^۱ -deficiency or basic

^۲ -growth or metaneeds

^۳ -Anxiety

سیری اجمالی بر مبانی نظری «انسان دوستی» از منظر آیات و روایات و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن/۱۰۱

علاوه بر روانشناسی جدید^۱، مطالعه و بررسی ابعاد مختلف «محبت»، از دیرباز مورد توجه فلاسفه و اندیشمندان نیز بوده است. در این بخش از نوشتار، به طور مختصر به برخی از دیدگاه‌های اندیشمندان کشورمان اشاره می‌کنیم:

صدرالمآلهین معتقد است محبت، عبارت است از «ابتهاج نفس به شیئی یا شخصی که موافق طبیعت انسان باشد، اعم از اینکه آن شی یک امر حسی باشد یا عقلی، حقیقی باشد یا ظنی» (سیف، ۱۳۸۴). راغب اصفهانی می‌گوید «محبت یعنی ابراز علاقه به آنچه را که می‌بینی و می‌پنداری خیر است» (کاشفی، ۱۳۸۳). غزالی محبت را «میل طبع به شیئی که ادراکش لذت آور است»، تعریف می‌کند. علامه طباطبایی بر این باور است که محبت، «تعلق وجودی و جذب خاص شعوری است بین علتی که انسان را به کمال می‌رساند و بین معلول تکامل یافته؛ حال فرق نمی‌کند که این علت، غذایی باشد که انسان می‌خورد یا بهره و لذتی که از شخصی می‌برد یا مالی باشد که در آن تصرف می‌کند» (بهشتی، ۱۳۷۹). «جنید» در تعریف محبت آورده است که «محبت میل قلب و صفتی است میان مخلوقات؛ اول درجه آن موافقت طبع است که عاقبت به عشق شدید منتهی می‌شود» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱). علی اکبر دهخدا، «تمایل عاطفی انسان به یک فرد یا اشیاء» را محبت تعریف کرده و آن را بر دو نوع می‌داند: یکی طبیعی و آن در انسان و حیوان هر دو وجود دارد و دوم ارادی و اختیاری و آن اختصاص به انسان دارد (فرید تنکابنی، ۱۳۷۶).

با نگاهی اجمالی به تعاریف فوق، به چند نکته می‌توان پی برد: اولاً محبت حسی پیچیده (و تا حدی ناشناخته) است که تنها اختصاص به موجودات دارای نفس (انسان و حیوان) دارد. ثانیاً مفعول محبت یا آنچه محبت بر آن واقع می‌شود می‌تواند انسان یا شیء باشد و ثالثاً محبت می‌تواند با انگیزه‌های متفاوتی در موجودات زنده - خاصه انسان و حیوان - وجود آید که شکل ارادی و

۱- در کتابهایی که از روانشناسان بزرگ معاصر منتشر شده است مانند «هنر عشق ورزیدن» تألیف اریش فروم، «دکتر و روح» اثر فرانکل و «محبت در برابر نفرت» تألیف مینیجر؛ درباره ابعاد مختلف محبت و اهمیت آن در زندگی انسان بحث شده است.

۲- گرچه در مواردی ادعا شده است که موجوداتی مانند گیاهان نیز از این حس برخوردارند.

اختیاری محبت یا به تعبیر علامه طباطبایی شکل شعوری آن اختصاص به «انسان» دارد. با التفات به موارد فوق، می‌توان به این جمع بندی رسید کرد که چنان چه علاقه و مودتی که ریشه در طبیعت انسانی دارد، به طور ارادی و آگاهانه از انسان صادر گردد و متوجه انسانی دیگر گردد، یکی از اشکال محبت که همان «انسان دوستی» است، بروز و ظهور یافته است. در مورد نکته اخیر سؤالات مختلفی می‌تواند مطرح باشد که برخی از آنها عبارتند از: چگونه حس محبت در انسان شکل می‌گیرد؟ آیا محبت ورزی مخصوص گروه خاصی از انسان‌هاست؟ انگیزه فرد از ابراز محبت نسبت به دیگران چیست و آیا انسان‌ها در انسان دوستی و محبت ورزی، انگیزه‌های یکسانی دارند؟

به نظر می‌رسد از مناظر مختلفی مانند روانشناسی، فلسفه، دین و حتی جامعه‌شناسی می‌توان به بررسی ماهیت محبت و انسان دوستی پرداخت و به سؤالات فوق پاسخ داد؛ اما در این نوشتار، هدف آن است تا از منظر دینی و به ویژه دین مبین اسلام، مبانی نظری این موضوع روشن گردد. واضح است که وجود مبانی نظری «انسان دوستی» که برگرفته از آموزه‌های اسلامی باشد، می‌تواند در تدوین برنامه‌های عملی انسان دوستانه ای که از جانب نهادهای آموزشی و ارگان‌هایی چون هلال احمر، بهزیستی و امثال آن‌ها، اجرا می‌گردد، مورد استفاده قرار گیرد؛ لذا در ادامه بحث، به مروری اجمالی بر مقوله‌ی محبت و انسان دوستی از منظر قرآن و احادیث شیعی خواهیم پرداخت. در مقاله حاضر ابتدا به تحلیل تعدادی از آیات قرآن و روایات مربوط به محبت و انسان دوستی پرداخته، سپس بر مبنای تحلیل‌های صورت گرفته، دلالت‌های تربیتی آن به صورت اجمالی استنتاج می‌شود؛ بنابراین روش مطالعه از نوع تحلیلی-استنتاجی می‌باشد.

سیری اجمالی بر مبانی نظری «انسان دوستی» از منظر آیات و روایات و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن/۱۰۳

محبت و انسان دوستی از منظر قرآن و حدیث

محبت از جمله ویژگی‌های شگفت‌انگیز انسانی است که در قرآن از آن به «حُب» و در ادبیات و عرفان اسلامی از آن به «عشق» یاد شده است. ویژگی بارز این خصیصه انسانی در این است که اگر فعال شود، می‌تواند در انسان جوش و خروشی ایجاد کند و موجب اقداماتی خطیر از جانب انسان گردد؛ اقداماتی که در حالت عادی، توقع انجام آن از انسان حساب‌گر و مصلحت‌اندیش نمی‌رود. حال باید دید، منشاء این احساس بی‌بدیل انسانی چیست و این حس به کدام یک از ابعاد وجودی انسان بر می‌گردد.

خداوند سر منشاء محبت حقیقی

گرچه ذات اقدس خداوندی مجموعه‌ای از صفات حمیده است ولی گویی خداوند بر رحمانیت و مهربانی خویش تأکید بیشتری دارد. نخستین جمله از اولین سوره قرآن و مطلع همه سوره‌های قرآن (البته به جز سوره توبه) با ابراز محبت الهی آغاز می‌گردد. هم چنین خداوند بیش از ۴۰ مرتبه، از محبت و بی‌محبتی به بندگان یاد کرده است. از طرفی، واژه‌ی محبت ۷۴ بار به صورت اسم و فعل به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۵۲). نکته‌ی مهم دیگر اینکه، «مهربانی» صفتی است که در حدّ اعلیٰ آن نزد خداوند وجود دارد؛ خداوند خود را ارحم الراحمین و مهربان‌ترین مهربانان معرفی می‌نماید. در این باره آیات فراوانی وجود دارد که ما به دو مورد بسنده می‌کنیم:

«آنان که در گشایش و تنگدستی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند و از خطاهای مردم در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد»^۱ (آل عمران، ۱۳۴).

«در حقیقت دسته‌ای از بندگان من بودند که می‌گفتند پروردگارا ایمان آوردیم بر ما ببخشای و به ما رحم کن [که] تو بهترین مهربانی»^۲ (المؤمنون، ۱۰۹).

۱- الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْأَفِينِ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

۲- إِنَّهُ كَانَ قَرِيبًا مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ:

انتقال محبت از ذات الهی به انسان

برای تبیین این نکته که محبت صفتی الهی است و از جانب خداوند در وجود انسان‌ها به ودیعه نهاده شده است، لازم است به «انسان‌شناسی اسلامی» رجوع کنیم. در مباحث نظری انسان‌شناسی اسلامی، با استناد به آیه‌ی ۲۹ سوره حجر^۱، انسان موجود مرکبی قلمداد می‌شود که از دو بخش تشکیل شده است: یکی جسم مادی و خاکی که از این حیث با حیوانات دیگر تفاوت چندانی ندارد. به همین دلیل شهید مطهری این بعد وجودی انسان را «من حیوانی» می‌نامد؛ اما بهره‌گیری انسان از روح الهی یا همان فطرت الهی، بخش دیگری از وجود انسان را شکل بخشیده که همان «من انسانی» است و وجه تمایز اصلی انسان با سایر موجودات به حساب می‌آید (باقری، ۱۳۶۸). به همین دلیل، به نظر می‌رسد که صفات مشترک بین خداوند و انسان مربوط به بهره‌گیری انسان از همان «روح الهی» است و همین بارقه‌ای که روح انسان از روح الهی دریافت کرده است، منشاء صفات الهی در انسان از جمله محبت گردیده است؛ البته درجه این صفات در وجود خداوندی در حد اعلی است و در وجود انسان در حد معمول؛ پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که منشاء همه صفات متعالی انسانی از جمله «محبت» که مبنای حسّ انسان دوستی در انسان است، در اصل از آن خداوند است و در هنگام خلقت انسان، به او هدیه شده است؛ یا به عبارت فقهی، بالاصاله از آن خداوند است و بالاضافه از آن همه بندگان خدا.

در حدیث قدسی زیر مبنای پیدایش هستی محبت و دوستی می‌باشد:

«من گنج نهانی بودم، دوست می‌داشتم شناخته شوم، سپس مخلوقات را آفریدم تا شناخته شوم»^۲ (مطهری، ۱۳۶۲).

بر اساس حدیث فوق، خداوند که خود منشأ محبت ناب است، مخلوقات را خلق می‌کند و بارقه‌ای از محبت خود را در وجود آنها قرار می‌دهد تا مخلوقات از طریق آن به منشأ ابدی محبت که

۱- «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي...»

۲- كُنْتُ كَنْزاً مَخْضاً فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أَعْرِفَ

سیری اجمالی بر مبانی نظری «انسان دوستی» از منظر آیات و روایات و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن/۱۰۵

خود خداست، پی ببرند. محمد علی انصاری در ذیل حدیث فوق چهار مرحله را از قول عارفان در راستای محبت بازگو می‌کند:

الف. مرحله «حب من الله الی الله» اولین گام محبت، محبت از خدا به خداست.

ب. در مرحله بعد، محبت از خداوند بر مخلوقات جلوه می‌کند و «حب من الله الی الخلق» محقق می‌شود.

ج. سومین گام، مرحله توزیع محبت بین مردمان است «حب من الخلق الی الخلق» محبت در میان مردمان جریان پیدا می‌کند. رابطه حبی بین انسان‌ها شکل می‌گیرد و آدمیان دوستدار هم می‌شوند.

د. مرحله چهارم، محبت از خلق به سوی خالق است «حب من الخلق الی الله» (انصاری، ۱۳۸۹).

«بارو کردن نهال محبت» و دبعه‌ی ویژه الهی به بندگان خاص خداوند

همان گونه که در بخش قبل بدان اشاره شد، «محبت» بذری است که از جانب خداوند در دل همه‌ی انسان‌ها کاشته شده است و اگر بشر با تن دادن به تعلقات دنیوی و گرایش‌های سخیف حیوانی، زمین پاک و جود خویش را آلوده نسازد، این بذری به درختی بارور تبدیل خواهد شد و اشکال مختلف محبت از جمله «محبت نسبت به هم نوع» یا همان «انسان دوستی» در وجود وی رشد خواهد کرد؛ البته خداوند در مواردی خاص، پرورش این نهال را تضمین کرده است که این وعده‌ی الهی در درجه نخست شامل پیامبران گردیده است:

«از خودم بر تو (موسی) افکندم تا زیر نظر من پرورش یابی»^۱ (طه، ۳۹).

اما پس از پیامبران، این مؤمنان و بندگان درست کار خداوند هستند که ایجاد محبت الهی در دل آنها از جانب خداوند تضمین گردیده است:

«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دلها] قرار می‌دهد»^۲ (مریم، ۹۶). البته در مورد نوع این محبت باید گفت که گرچه سمت و جهت اصلی این محبت به سمت حضرت حق می‌باشد ولی اگر این نهال خجسته یعنی «مهر الهی» در دل

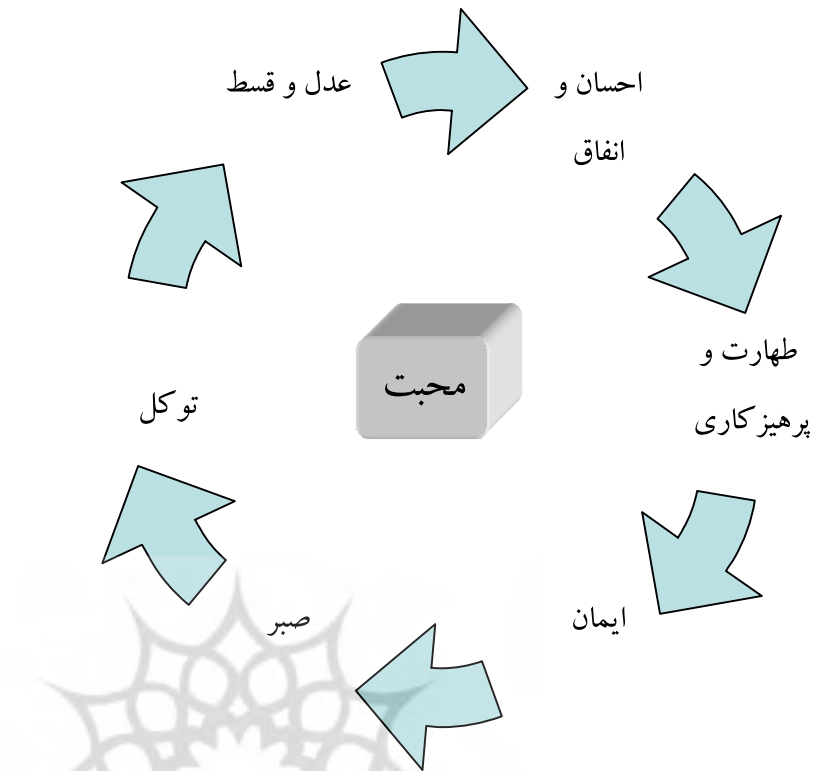
۱- عَلَيْنِكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَلِئُصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي وَ مَهْرِي

۲- إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

انسانی پرورش یافت، تمامی ابعاد وجود شخص از محبت آکنده می‌گردد و ثمره فراگیر آن، شامل بندگان خداوند نیز می‌گردد؛ بنابراین بندگان مؤمن و مقربان درگاه الهی در درجه اول به معبود خویش مهر می‌ورزند و در درجه بعد به سبب اینکه قلب آنها با مهرورزی الهی جلا یافته است، از این چشمه جوشان محبت، بندگان خداوند را نیز سیراب خواهند کرد؛ در چنین حالتی است که حس انسان دوستی با صبغه الهی در دل مؤمنان ایجاد می‌گردد. در اینجا، نکته دیگری نیز لازم به یادآوری است و آن اینکه، منظور از مؤمنان، تنها پیروان رسمی و علنی یک دین خاص نیستند؛ بلکه هر انسان پاک سرشت و سلیم النفسی که ضمیر خود را به آلودگی‌ها و کج رویهای دنیوی و حیوانی آلوده نکرده باشد، حس محبت نسبت به هم نوع را در وجود خویش دارد و در مواقع مقتضی آن را عملی و آشکار خواهد کرد.

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که از طریق الگو پذیری از آنها می‌توان حب الهی قرار گرفت که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «فإن الله يحب المتقين» (آل عمران، ۷۶) - «إن الله يحب المحسنين» (بقره، ۱۹۵) - «والله يحب المطهرين» (توبه، ۱۰۸) - «إن الله يحب المقسطين» (مائده، ۴۲) - «إن الله يحب الصابرين» (آل عمران، ۱۴۶) - «إن الله يحب المتوكلين» (آل عمران، ۱۵۹) و «إن الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً فأَنهم بُنيان مرصوص» (صف، ۴).

صفت‌های طهارت، پرهیزگاری، احسان و نیکوکاری، صبر، برپا داری عدل، توکل و مجاهده در راه حق از جمله راه‌های است که انسان برای رسیدن به مقام محبوبیت نزد خداوند باید پیماید. لازم است که صفات فوق بر بستری از ایمان صورت می‌پذیرد و با آن رابطه دوسویه و حتی چرخشی دارد که با شکل زیر قابل نمایش است.



شکل ۱: محبت و تاثیر و تاثر عوامل مربوط به آن

منبع: مولف

بر اساس شکل فوق می‌توان گفت هر چه ایمان انسان بیشتر باشد، طهارت و پرهیزکاری، احسان و انفاق، عدل و قسط و توکل و صبر او بیشتر و در حقیقت تقویت هر کدام از صفات فوق باعث تقویت کل چرخه شده و نتیجه این تقویت، همانا مورد بحث خداوند واقع شدن است.

حدود و ثغور محبت و انسان دوستی در اسلام
در بخش‌های قبل به این نکته اشاره شد که محبت حقیقی منشاء الهی دارد و مؤمنان به سبب برخورداری از صفت «مهرورزی اصیل الهی»، محبت خود را در وهله اول به سوی خداوند و در مرحله بعد متوجه بندگان او خواهند کرد؛ اما آیا این محبت شامل همه بندگان خدا می‌گردد یا گروهی خاص مشمول آن قرار می‌گیرند؟

خداوند در قرآن، حدود و ثغور حوزه محبت و انسان دوستی در اسلام را چنین تبیین می‌کند:

«محمد [ص] پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند»^۱
(فتح، ۲۹).

در نگاه اول شاید چنین به نظر بیاید که با توجه به مضمون این آیه، هر غیر مسلمانی، از دایره رأفت اسلامی خارج است و به عبارت دیگر، قانون انسان دوستی اسلامی گزینشی است؛ یعنی مسلمانان وظیفه دارند برخی را دوست بدارند و با برخی دیگر دشمن باشند؛ اما باید دید، منظور از کافران دقیقاً چه کسانی هستند؟

در جهت پاسخ به این سؤال می‌توان به دیدگاه شهید مطهری رجوع نمود. ایشان با توجه به آیات قرآن، کافران را به دو دسته تقسیم می‌کند: «کافرانی که با دین اسلام و مسلمانان سرچنگ ندارند و کافرانی که سرچنگ دارند و می‌خواهند دین و مسلمین را نابود کنند. اتفاقاً قرآن نه تنها اجازه می‌دهد که نسبت به دسته نخست محبت و احسان روا داشته شود بلکه بدان سفارش نیز می‌کند: «خداوند شما را باز نمی‌دارد از کسانی که با شما نستیزیده و شما را از خانه و دیارتان بیرون نرانده اند به نیکی و عدل رفتار کنید. به درستی که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد»^۲ (ممتحنه، ۸).

امادرباره کسانی که به خاطر دین با مسلمانان می‌جنگیدند و آنان را از خانه‌هایشان بیرون راندند می‌فرماید: «خداوند باز می‌دارد شما را از اینکه با ستیزگان با شما در دین و بیرون کنندگان شما از دیارتان و آنان که به یکدیگر یاری رسانند تا شما را بیرون برانند دوستی کنید و آنان را ولی خود قرار دهید. هر که آنان را ولی و دوست خود بگیرد پس آنان همان ستمکاران باشند»^۳ (ممتحنه، ۹).

۱- مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ اَشِدَّاءُ عَلٰى الْكٰفِرِيْنَ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ

۲- لا يَنْهٰكُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِيْنَ لَمْ يِقَاتِلُوْكُمْ فِى الدِّيْنِ وَلَمْ يَخْرُجُوْكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ اِنَّ تَبْرُوْهُمْ وَتَقْسَطُوا عَلَيْهِمْ اِنَّ اللّٰهَ يَدِبُ الْمَقْسُوْبِيْنَ

۳- اِنَّمَا يَنْهٰكُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِيْنَ قَاتَلُوْكُمْ فِى الدِّيْنِ وَ اَخْرَجُوْكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوْا عَلٰى اَخْرٰجِكُمْ اَنْ تَتَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ

سیری اجمالی بر مبانی نظری «انسان دوستی» از منظر آیات و روایات و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن/۱۰۹

پس اسلام به روشنی دستور می‌دهد که با چنین کافران و سرکشان و زورگویانی باید برخورد قهرآمیز نیز بشود؛ چرا که محبت و احسان به آنها دشمنی با مسلمانان و تقویت بنیه دشمن است (مطهری، ۱۳۶۲).

دستور امام علی (ع) به تأمین زندگی پیرمرد کوری از اهل ذمه که گدایی می‌کرد (نراقی، بی تا)، دستور امام صادق (ع) به سیراب کردن مرد کافری که در بیابان تنها مانده بود و دستور امامان معصوم (ع) به برخورد نیکو و محبت آمیز به کسانی که پدران و مادرانی کافر دارند (نجفی، ۱۳۸۳)؛ همه دلیل بر این است که محبت و احسان به کافران تا آن هنگام که مایه تضعیف جبهه حق نشود نه تنها مانعی ندارد که از نگاه اسلام به آن سفارش نیز شده است؛ لذا با توجه به موارد ذکر شده و دستورات مؤکد دین اسلام به محبت و دوستی نسبت به پیروان دیگر ادیان آسمانی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که به جز کافرانی که مستقیماً به حریم اسلام و مسلمین تعدی می‌کنند، بقیه‌ی افراد، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، در دایره وسیع م محبت و انسان دوستی اسلامی قرار می‌گیرند و لذا هیچ گونه محدودیتی در این زمینه وجود ندارد.

از سویی دیگر، مسلمانان طبق آیات مؤکد قرآن وظیفه دارند که طبق معیار مشخص شده از محبوب حقیقی پیروی کنند. در آیه ۳۱ سوره آل عمران^۱، خداوند لازمه محبت خود را محبت و پیروی از اولیای خدا می‌داند؛ لذا تبعیت از پیامبر و اهل بیت (ع) در طول تبعیت از خداوند است و محبت آنها به خداست و خداوند افرادی که اولیای خدا را دوست بدارند و تبعیت کنند را دوست می‌دارد و گناهایشان را می‌امرزد. در محبت به سایر بندگان خدا نیز بر اساس این معیار قرآنی، کسانی که بینش راه و روش و عملکردشان به اولیای خدا نزدیکتر و شبیه تر است، مورد محبت بیشتری قرار دارند؛ البته در باب حدود انسان دوستی به یک نکته دیگر نیز باید اشاره کرد و آن اینکه وقتی می‌گوییم انسان منظورمان انسان از نظر فیزیولوژیک یا زیست شناسی نیست که اگر

۱- قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

چنین باشد فرقی بین انسان و حیوان و گیاه و دیگر موجودات زنده نیست؛ زیرا همه‌ی آنها جزء مخلوقات خداوند هستند و در همه ادیان الهی از جمله دین اسلام، بر رفتار توأم با محبت نسبت آنها تأکید شده است؛ اما انسان یک وجه تمایز مهم نسبت به دیگر موجودات دارد که او را شایسته محبت می‌گرداند و آن همان «انسانیت» اوست؛ انسانیتی که از «کرامت انسانی» ناشی می‌شود. در توضیح مختصر اصل کرامت در اسلام می‌توان گفت که «کرامت» یکی از ویژگی‌های عمومی انسان‌هاست که خداوند برای همه انسان‌ها فراهم آورده و به موجب آن انسان را بر غیر انسان برتری داده است: «و به راستی فرزندان آدم را بزرگوار داشتیم» (اسراء: ۷۰). این کرامت انسانی هنگامی تبلور و ظهور می‌یابد که بشر بعد انسانی وجود خویش را دریابد و اصالت وجود خویش را در ارزش‌های انسانی و سجایای اخلاقی بداند. این موضوع مورد نظر شهید مطهری نیز قرار گرفته است. وی در باب انسان دوستی خاطر نشان می‌سازد:

«...وقتی می‌گوییم انسان دوستی یعنی انسان بما هو انسان، یعنی انسان از این جهت که انسان است باید دوست داشته شود؛ یعنی انسان با ارزش‌های انسانی. انسان دوستی یعنی انسانیت دوستی؛ اما اگر انسانی ضد انسان و انسانیت شد، مانع راه و تکامل انسان‌های دیگر شد ... به تعبیر قرآن از حیوان هم چند درجه پایین تر آمده است و شایسته انسان دوستی نیست (نجفی، ۱۳۸۳).

پس در پایان این بخش می‌توان چنین نتیجه گرفت که از منظر اسلام همه‌ی انسان‌ها شایسته محبت و رأفت هستند مگر دو گروه. اول کافرانی که تجاوز و تعدی به جامعه اسلامی را در دستور کار خود قرار داده و دوم انسان‌هایی که «من انسانی» خود را به فراموشی سپرده و خوی حیوانی در آنها غالب گشته است؛ لذا چنین موجودات «انسان نمایی»، نه تنها شایسته محبت نیستند؛ بلکه با برخورد قهرآمیز، باید آنها را از خواب غفلت بیدار نمود.

۱- ولقد کرّمنا بنی آدم

انسان دوستی و محبت ورزی: الگوی ارتباطی مرجح در اسلام

در همه ادیان الهی از جمله اسلام، مبنای اصلی روابط انسانی بر محبت و انسان دوستی بنا شده است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که رمز توفیق انبیا در جلب حداکثری توده‌های مختلف مردم نیز به همین موضوع بر می‌گردد. در باره رفتار مبتنی بر محبت انبیا به عنوان اولین و مهم‌ترین الگوی روابط انسانی که مستقیماً تحت هدایت و نظارت الهی صورت گرفته است، مباحث فراوانی مطرح شده است ولی نکته قابل ذکر این است که دستور مستقیم این «الگوی رفتاری»، با مضمونی کاملاً آشکار از جانب خداوند به پیامبران دیکته شده است تا در مراحل بعدی، به عنوان یک الگوی رفتاری فراگیر، مورد استفاده پیروان ادیان الهی قرار گیرد. خداوند متعال در سوره شعراء آیه ۲۱۵ به پیامبر خود می‌فرماید:

«و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند بال خود را فرو گستر». ^۱ جالب آنکه عین این عبارت در آیه ۸۸ سوره حجر نیز تکرار شده است. از آنجا که در فرهنگ قرآنی، بال گستردن به معنی محبت و فروتنی است، می‌توان دریافت که الگوی مورد تأیید خداوند در روابط پیامبران با انسان‌ها، الگوی مبتنی بر محبت و فروتنی است و هیچگونه اجبار و اکراهی در این رابطه دوجانبه وجود ندارد. چون خداوند در همان سوره، بلافاصله پس از این توصیه، به پیامبر خود یادآور می‌شود که روش ابلاغ دستورات دین بر شیوه «انذار» مبتنی است: و «بگو من همان هشداردهنده آشکارم» ^۲ (حجر، آیه ۸۹).

در جای دیگر نیز، خداوند رمز موفقیت پیامبر(ص) را در روش ارتباطی مبتنی بر محبت ورزی و انسان دوستی او دانسته است:

۱- وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ:

۲- وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ:

«پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند»^۱ (آل عمران، آیه ۱۵۹).

در ارتباط با الگو و رویه رفتار مبتنی بر محبت در اسلام، نکته مهم دیگری نیز قابل ذکر است و آن اینکه، انسان دوستی الهی نه «تجارت گونه» است و نه «منفعت طلبانه». در توضیح مورد اخیر، باید گفت که در روابط معمول بین فردی، گاه دیده می‌شود که محبت به دیگران به این امید صورت می‌گیرد که محبت مشابه و متقابلی از سوی طرف مقابل ارائه گردد؛ یا اینکه ریشه اصلی محبت، به منفعتی بر می‌گردد که فرد منفعت طلب از ابراز محبت به دیگران انتظار دارد؛ اما انسان دوستی دینی، از نوعی محبت پاک و بی‌پیرایه الهی نشأت می‌گیرد که نه با توقع محبت متقابل همراه است و نه به منظور حصول به منافع فردی و شخصی صورت می‌گیرد؛ بلکه محبت و انسان دوستی تنها با نیت «قرب الهی» صورت می‌گیرد. در اثبات این مدعا که محبت در اسلام به نوع واکنش طرف مقابل وابسته نیست به ذکر دو نمونه بسنده می‌کنیم:

«ای پیامبر، خوی نیکو در تأثیر گذاری با خوی زشت برابر نیست؛ پس با نیکو ترین خصلت بدیهای آنان را دفع کن که ناگاه آن کسی که میان تو و او دشمنی است گویی دوستی دلسوز است»^۲ (فصلت، ۳۳).

امام علی (ع) نیز در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به فرزندش امام حسن (ع) درباره نوع رفتار با دوستان، نمونه کاملی از انسان دوستی اسلامی را معرفی می‌کند:

«چون برادر [دینی] تو از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی برقرار کن، اگر روی برگرداند، تو مهربانی کن و چون بخل ورزد تو بخشنده باش و هنگامی که دوری گزیند تو نزدیک شو و چون سخت می‌گیرد تو آسان گیر و به هنگام گناهش عذر او را بپذیر چنان که گویی بنده او باشی و او صاحب نعمت تو باشد».

۱- فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَئِن لَّهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَطْرًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ

۲- وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ

نسبت محبت و انسان دوستی با دین و دینداری

از بین انواع محبت با خاستگاه‌ها و انگیزه‌های متفاوت، محبتی موجبات تعالی و تقرب انسان را فراهم می‌آورد، که ویژگی‌های فوق‌الذکر در باب محبت الهی را دارا باشد. این نوح محبت و انسان دوستی است که ارزش آن در روایات اسلامی، گاه تا جایی بالا می‌رود که با خود دین و دینداری برابر گرفته می‌شود. در این باره امام باقر (ع) می‌فرماید:

«دین، محبت است و محبت همان دین است»^۱ (مجلسی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۸).

گاه نیز، مودت مؤمن با دیگران از عوامل و نشانه‌های اصلی ایمان قلمداد شده است: «آگاه باشید که مودت و دوستی مؤمن، از بزرگترین عوامل ایمان است»^۲ (مجلسی، ۲۸۱/۷۴).

در مواردی نیز برای نشان دادن اهمیت انسان دوستی در آموزه‌های اسلامی، محبت و ایجاد رابطه صمیمانه با دیگران، نشانه عقلانیت و خردورزی دانسته شده است:

«سر عقل بعد از ایمان، خوش رفتاری با مردم و بدست آوردن محبت ایشان است»^۳

(مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۷۴، ص ۱۵۸).

امام علی (ع) نیز محبت و انسان دوستی را نشانه عقلانیت دانسته اند: «دوستی کردن با مردم نیمی از خردمندی است»^۴ (حکمت، ۱۴۲).

نگاهی اجمالی به احادیث فوق، نشان می‌دهد که در دین مبین اسلام، محبت به دیگران شرط اساسی دینداری لحاظ شده به طوری که گاه با کل دین داری معادل انگاشته شده است. در مواردی نیز محبت و انسان دوستی با یکی از ارکان دین اسلام یعنی «عقل و ورزی» همسنگ فرض شده است. چنین تعابیری، این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که اگر انسانی تمامی دستورات دین

۱- الدِّينُ هُوَ الحُبُّ وَ الحُبُّ هُوَ الدِّينُ

۲- الا وَ انَّ وَدَّ المؤمنِ مِنْ اعظمِ سببِ الايمانِ

۳- رأسُ العقلِ بعدَ الايمانِ باللهِ عزَّ وَجَلَّ التَّحِبُّ اليِ الناسِ

۴- التَّوَدُّدُ نِصفُ العقلِ

را بطور اکمل رعایت نموده ولی از محبت به دیگران دریغ ورزد، نه شرط عقل را به جا آورده و نه می توان عنوان مؤمن را به او اطلاق کرد.

• استنتاج دلالت‌های تربیتی

اکنون که سعی شد مفهوم حب و هم چنین نوع دوستی و ارتباط آن با دین داری تا حدودی روشن شود، نوبت به استخراج دلالت‌های تربیتی و حدود و ثغور آن می‌رسد. نگارندگان مقاله حاضر به طور اجمال اهداف، اصول و روش‌های تدریس متناسب با بحث محبت و نوع دوستی بر مبنای آموزه‌های اسلامی را به صورت زیر استخراج نموده اند.

• اهداف تعلیم و تربیت مبتنی بر محبت و نوع دوستی اسلامی:

۱. هدف غائی این نوع تعلیم و تربیت همان رسیدن به محبت الهی و به عبارتی فنای فی الله لقا الهی است.

۲. از اهداف ابتدایی می‌توان به پرورش حسّ زیبایی شناسی اشاره کرد. پرورش این احساس اگر چه در ابتدا ممکن استحی حبّ به اشیا باشد، می‌تواند با مراقبت و جهت دهی صحیح در مسیر حب حقیقی همان عشق به ذات حضرت حق است منجر شود.

• اصل تربیتی منتج از محبت و نوع دوستی اسلامی.

اصل تبعیت و پیروی:

عاشق حقیقی باید در راه و به سمت معشوق در حرکت باشد و خواسته و ناخواسته‌های وی را با جان و دل بپذیرد. وصال زمانی ممکن می‌شود که تبعیت صورت گیرد. در فرایند تعلیم و تربیت متربی در صورتی که به حقانیت مربی پی برد، سعی می‌کند کاملاً تابع شود؛ در آن صورت است که محتوای آموزشی، برنامه درسی به صورت مطلوبی ارائه می‌شود و اهداف تربیتی نیز قابل حصول خواهند بود.

روش تدریس:

روش تدریس متناسب با اهداف و اصل تربیتی ذکر شده عبارت خواهد بود از هر روش که در آن رابطه‌ها بر اساس محبت و عشق ورزی با هم دلی و هم زبانی باشد. از جمله می‌توان روش همیاری در تدریس دروس مختلف اشاره کرد. در این روش متریان با هدایت و راهنمایی مربی، ابتدا در گروه‌هایی دسته بندی می‌شوند؛ پس محتوای درس در یک فضای صمیمانه و احساس احترام به دیگران عرضه می‌شود.

مثال دیگر روش تدریس ارتباطی زبان است؛ در این روش مبنا و اساس کار ایجاد فضای نوع دوستانه و محبت آمیز با استفاده از کنار زدن هر نوع فیلتر عاطفی است.

روش‌های تدریس ذکر شده علاوه بر ایجاد و پرورش احساس و دیگر دوستی و احترام به دیگران از جمله هم کلاسی‌ها و معلم در سطح کلاس درس، در سطحی فراتر هم چون جامعه نیز باعث ایجاد رشته‌های محبت آمیز بین انسان‌ها و جوامع مختلف و در سطح خانواده باعث استحکام و تقویت روحیه خانواده دوستی، همسر دوستی و فرزند دوستی و عشق و علاقه برادر و خواهری خواهد شد.

در پایان جهت مطالعات بعدی می‌توان به سایر جنبه‌های مفهوم محبت و استخراج دلالت‌های تربیتی متعدد دیگر و پژوهش‌های در ارتباط با مفاهیم اخلاقی همچون صبر و توکل و امید و... اشاره کرد.

نتیجه گیری

در نوشتار حاضر، چنین عنوان شد که در علم روانشناسی، «محبت» به مثابه یکی از نیازهای روحی و روانی بشر قلمداد می‌شود که ارضاء آن می‌تواند محاسنی برای او به دنبال داشته باشد؛ اما در نگاه دینی، نوع خاصی از محبت نسبت به انسان‌ها یا «محبت منتج به انسان دوستی» مورد تأکید قرار گرفته است که خاستگاه، انگیزه، حدود و رویه‌ی آن صبغه‌ی کاملاً الهی داشته و با آموزه‌های دینی انطباق کامل دارد. در این مقاله، با رجوع به آیات و روایات مربوطه، تلاش

گردید مبانی نظری انسان دوستی در اسلام در چهار عنوان زیر، به طور مختصر، تبیین و تشریح گردد:

۱- حب و مودت فی نفسه صفتی الهی است که بذر آن از جانب خداوند در وجود انسانها کاشته شده است و رشد آن منوط به محیطی طاهر و روحانی است.

۲- گرچه به ظاهر ما شاهد ابراز محبت بین افراد مختلف جامعه هستیم؛ اما به جز مواردی که به اذن خداوند، نوعی انگیزه فطری در پس آن وجود دارد، مانند محبت والدین به اولاد، در اکثر موارد، انگیزه‌هایی چون خودنمایی، چاپلوسی، شهوت رانی، منفعت طلبی و محبت و انسان دوستی را از مسیر حقیقی خود خارج می‌سازد. در الگوی دینی روابط انسانی، محبت تنها به «قصد قربت» انجام می‌گیرد و انگیزه‌های مادی و دنیوی در آن به حداقل می‌رسد.

۳- دایره‌ی محبت و انسان دوستی اسلامی، بسیار وسیع است و به جز مواردی خاص، تقریباً حد و مرزی نمی‌شناسد و همه‌ی بندگان خداوند را شامل می‌شود.

۴- الگوی روابط انسانی در نگاه دینی بر مبنای محبت و احسان قرار دارد که نمونه‌ی بارز آن، نحوه‌ی رفتار انبیا و اوصیای الهی با آحاد مردم است. انبیا الهی این اصل مهم را دریافته بودند که جلب توجه مردم با احسان و مهرورزی و انسان دوستی با موفقیت بیشتری همراه است تا اجبار و اکراه.

بخش ای پسر که آدمیزاده صید به احسان توان کرد و وحشی به قید

لذا این تجربه موفق در نحوه برخورد با دیگران می‌تواند تا ابد چراغ راه کسانی باشد که با قصد قرب الهی و خدمت به بندگان خداوند، در صدد انجام فعالیت‌های انسان دوستانه هستند.

سیری اجمالی بر مبانی نظری «انسان دوستی» از منظر آیات و روایات و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن/۱۱۷

منابع و مآخذ

انصاری، محمد علی (۱۳۸۹). **گام‌های موفقیت در پرتو قرآن کریم**، چاپ دوم، مشهد: بیان هدایت نور.

باقری، خسرو (۱۳۸۶). **نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی**، تهران: انتشارات مدرسه.

بهشتی، محمد و دیگران (۱۳۷۹). **آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن**، تهران: پژوهشکده حوزه دانشگاه.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۲). **فرهنگ دهخدا**، تهران: دانشگاه ادبیات و علوم انسانی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷). **المفردات فی غریب القرآن**، قم: نشر صادق.

سیف، علی اکبر (۱۳۸۴). **روانشناسی پرورشی**، چاپ پنجم، تهران: انتشارات آگاه.

فرید تنکابنی، مرتضی (۱۳۸۶). **اخلاق از دیدگاه قرآن و عترت**، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۳). **آیین مهرورزی**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۶). **بحار الانوار**، ج ۳، تهران: انتشارات مکتبه الاسلامیه.

محمدری شهری، محمد (۱۳۸۱). **میزان الحکمه**، ج ۲، ج ۶، ج ۱۰، ج ۱۴، قم: انتشارات دارالحدیث.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران: انتشارات الزهرا.

نراقی، مهدی (بی تا). **علم اخلاق اسلامی**، ترجمه سید جلال الدین مجتوی، تهران: انتشارات حکم.

نجفی، محمد (۱۳۸۳). آموزه‌های تربیتی محبت اهل بیت (ع)، پژوهش‌های تربیتی و

روانشناختی دانشگاه اصفهان، دوره جدید، سال اول، شماره ۴، تابستان ۸۳

